

یادداشت روز

هدیه‌ای که مرا «برفراز آسمان‌ها» برد



شهرداد روحانی

● شکی نیست که هدیه تولد، ماندگارترین هدیه در زندگی هر انسانی است. من هم در طول سال‌های زندگی‌ام بارها هدیهایی گرفته‌ام که هرکدام اثر ویژه‌ای بر روح من گذاشته است؛ از خواندن آهنگ Happy birthday توسط نوازندگان و مردم حاضر در کنسرت‌های خارج از ایران گرفته تا آوردن کیک تولد روی صحنه و... اما یک‌ماه‌واندی پیش، زمانی که با اندکی یأس قرار بود ساعت چهار صبح ایران را به مقصد آمریکا ترک کنم و درحالی‌که تنها دو روز به تولدم مانده بود، نیمه‌شب هدیه‌ای از نوازندگان خوب و قدیمی ارکستر سمفونیک تهران گرفتم که تا همین امروز هم یادآوری‌اش مرا سر شوق می‌آورد. وقتی ۱۸ سال داشتم، قبل از آنکه برای ادامه تحصیل به خارج از ایران مهاجرت کنم، قطعه‌ای ساختم که بعدها در تیتراژ پایانی فیلم «بر فراز آسمان‌ها» استفاده شد. خوب به خاطر دارم که این قطعه را با نوازنده‌های طرازاول آن زمان ضبط کرده بودم و وقتی از ایران می‌رفتم، نمی‌دانستم که تکلیف این قطعه چه می‌شود. حتی فیلم را هم ندیده بودم چون در سال‌های نزدیک به انقلاب بخش شد و بالطبع زمان چندان مناسبی نبود که دیده شود. خوب یادم هست که چون مرحوم واروژان موسیقی متن این فیلم را ساخته بود، اغلب مردم تصور می‌کردند که موسیقی تیتراژ پایانی هم ساخته اوست، درحالی‌که این قطعه‌ای بود که من در ۱۸ سالگی ساخته بودم و اصلا نمی‌دانستم تکلیفش چه می‌شود. آن شب چندنفر از نوازندگان ارکستر با همین قطعه مرا غافلگیر کردند. وقتی به دیدنم آمدند گفتند آقای رضا تاجبخش با شنیدن نوار آن قطعه که چهل‌واندی‌سال پیش، اجرا و ضبط کرده بودیم تمام نت‌ها را نوشته و با تبحر زیاد همان تنظیم و ارکستراسیون را (که بسیار هم دشوار است) بازنویسی کرده است و حدود ۳۰ نفر از نوازندگان خوب کشورمان در استودیو - با هزینه شخصی و علاقه خود- آن را دوباره اجرا و ضبط کرده‌اند. اما ماجرای هدیه بی‌نظیر تولد من به همین‌جا ختم نشد. من این قطعه را برای اولین‌بار در استودیو «بل» که هنوز هم فعال است، با آقای ویگن داووی ضبط کرده بودم و نوازنده‌ها آن شب - که ساعت دیگر از نیمه هم گذشته بود- مرا به همان استودیو بردند و آن قطعه را برایم بخش کردند. بعد از بیش از ۴۰ سال - یک ماه پیش- قطعه‌ای را که در نوجوانی ساخته بودم، در استودیویی می‌شنیدم که برای اولین‌بار آن را در آنجا ضبط کرده بودم. تمام آن خاطرات برایم زنده شد؛ راهروهای استودیو بل، شور و شوق جوانی برای ضبط قطعه‌ای تازه، نوازنده‌هایی که در همان راهروها راه می‌رفتند و موسیقی‌ای که در گوش جانم می‌پیچید. حالا بعد از گذشت یک ماه مطلع شدم - این‌تک‌آهنگ را که با صدای خواننده توانمند و خوش‌صدای کشورمان، نیما مسیحا، ضبط شده بود - برای دائلود- روی سایت موسیقی ما گذاشته‌اند. این بهانه‌ای شد تا از طریق این چند خط بار دیگر از نوازندگان عزیز که چنین هدیه خاطره‌انگیزی را - به مناسبت روز تولدم- به من دادند، تشکر کنم. هدیه‌ای که در پاسخش تنها می‌توانم بگویم، همیشه در قلب من جای دارد...



موسیقی آکادمیک

ویولن - گیتار - سلفژ - مشاوره

بهرام پورناصح 09101783787

هنر و تجربه
Ain-e-Jazeera Cinema
www.aincinema.ir

برنامه سینمایی
پردیس سینمایی فر هنگ
پردیس سینمایی کورش
خانه هنرمندان
موزه سینما
پردیس سینمایی هویزه (مشهد)
تالار سینمایی سوره (اصفهان)
کابری (گرگان)
ساحل (امور)

فیلم‌های ایرانی حقایق
سیصد و شونزده

acinema.ir

سی صد و شونزده
کارگردان:
پیمان حقانی

شرق: پرتره فاطمه معتمدآریا، بازیگر سینمای ایران در کنار ۱۵ چهره بین‌المللی که در طول عمر خود به منافع مشترک بشریت یاری رسانده‌اند، در گالری سازمان‌ملل در نیویورک به نمایش درآمد. این نمایشگاه شامل مجسمه‌هایی همچون پوسته‌های زمین و پرتره چهره‌های اثرگذار جهانی است که با حمایت کمپین «زمان برای اقدامی جهانی» در مقر سازمان‌ملل در نیویورک با شعار «دگرگونی قدرت هنر» به نمایش گذاشته شده است. این کمپین در درجه نخست به منظور افزایش آگاهی مخاطبان از تغییرات آب‌وهوا و اکوسیستم شکننده زمین تشکیل شده است. درواقع، مواد و مضمون مجسمه‌های این نمایشگاه از عناصر طبیعی زمین و از طبیعت گوشه‌وکنار جهان گرفته شده‌اند. معتمدآریا بازیگری که هم‌اکنون فیلم «قصه‌ها» و تئاتر «تول» با بازی او به نمایش درآمده، همواره فعالیت‌هایی در جهت ایجاد صلح جهانی داشته و هم‌اکنون پرتره او در کنار دو چهره منتخب سینمایی دیگر از جمله ادری هیپیورن و ساتیا جیت‌رای روی



دیوار سازمان‌ملل رفته است.

نمایشگاه سازمان‌ملل چندی پیش با پیام سام کوتاه‌سا، رئیس مجمع عمومی سازمان‌ملل‌متحد، مبنی بر نزدیکی انسان به طبیعت و نگهداری از زمین و ایجاد زبان مشترک انسان و طبیعت بازگشایی شد.

افتخاری دیگر برای سینمای ایران

پرتره «معتمدآریا» بر دیوار سازمان ملل آویخته شد

در این نمایشگاه ۱۶ پرتره، اثر نقاش ایتالیایی Fabrizio Ruggiero، است که به‌عنوان نماد مردم همه‌قاره‌های جهان که در طول عمر خود به منافع مشترک بشریت یاری رسانده‌اند، به نمایش درآمده است. در این نمایشگاه پرتره پیر کلاور آکندنگوی (کابن)، مایا آنجلو (آمریکا)، جون بیس (آمریکا)، ادری هیپیورن (انگلستان)، واسیلی کاندینسکی (روسیه)، ام‌کلثوم (مصر)، گونگ لی (چین)، میرام ماکابا (آفریقای جنوبی)، ادگار مورن (فرانسه)، فاطمه معتمدآریا (ایران)، اوکوت پتیک (اوکازندا)، ساتیا جیت‌رای (هند)، سباستینو سالگادو (برزیل)، وول سوئینسکا (نیجریه)، نکوی گی وا تیونگو (کنیا) و مالایا یوسفزی (پاکستان)، روی دیوارها قرار گرفته است.

این اتفاق بین‌المللی با حضور سه چهره سینمایی جهان از جمله سینماگری ایرانی، نشان می‌دهد که هنر هفتم تا چه اندازه می‌تواند سفیر خوبی برای رقم‌خوردن اتفاقات مثبت صلح‌طلبانه در سراسر جهان باشد.

گفت‌وگو با شهرام ناظری به مناسبت دریافت تندیس جشن حافظ

با افکارمردم، بازی نکنیم



عکس: افشین جعفری/شرق

● و تماشاکر از سینما. فکر می‌کنید آیا مخاطب با سینما قهر کرده است؟
وقتی خدمت‌موشی نسجی در مدیریت یک کشور اتخاذ نمی‌شود، طبیعتاً با این افت‌وخیزها روبه‌رو می‌شویم که مردم با یک هنر قهر کنند ولی دوباره مخاطب بازمی‌گردد. این اتفاقات مقطعی است و واکنش مردم در مقابل یک عملکرد است. چون مردم ایران هرگز نمی‌توانند خودشان را از هنر، از یک فیلم خوب، از یک تئاتر خوب، محروم کنند. مردمی هستند که به‌خاطر سابقه هنری ایران و بزرگانی که مثل خورشید در آسمان هنر درخشیده‌اند، علاقه به هنر را در ژن خود دارند.

● در این زمینه پیشنهاد دیگری نداشته‌اید؟
چرا دعوتی دیگر هم از طرف آقای میرکریمی شده بود. در جلساتی که ما مشغول کار «ایران‌برگر» بودیم، آقای میرکریمی هم آمدند و جلساتی برای فیلم ایشان داشتیم، ولی چون خیلی وقت کم بود، دیدم بهتر است انجام ندهیم و قرار شد همکاری‌مان برای فیلمی دیگر باشد.
● با این تقدیری که از شما صورت گرفت و همین‌طور ماجرای همکاری با آقای حاتمی و بعد همکاری با آقای جعفری‌جوزانی، به‌نوعی شما هم عضوی از خانواده سینما محسوب می‌شوید. این روزها بحثی می‌شود راجع به قهر مخاطب

انسجام و نظم بیشتر این راه را ادامه دهند و هرگز سر از مافیابازی درنیاورند و همچنان انصاف و عدالت، تخصص و ششورا را سرلوحه کار خود قرار دهند.

● تا آنجا که می‌دانیم، این اولین همکاری شما با یک فیلم‌ساز در خواندن تیتراژ نیست؛ گویا قرار بود با علی حاتمی هم در «دلشدگان» همکاری کنید. چرا آن همکاری شکل نگرفت؟

زنده‌یاد علی حاتمی از طریق جمشید مشایخی به همکاری با من ابراز علاقه کرده بود. حاتمی به مشایخی می‌گوید چون با ناظری دوست هستی، در منزلت جلسه‌ای بگذار که آشنا شویم. جمشید مشایخی به من زنگ زد و قرار گذاشتیم و علی حاتمی آمد و برای من هم هدیه‌ای آورد. بعد برنامه‌ریزی کار انجام شد و چند جلسه با استاد حسین دهلوی گذاشتیم. حتی خبر آن در مجله فیلم هم منتشر شد. اما چون کنسرتی در آمریکا داشتم، مجبور شدم بروم. بعد از ۱۰۵ ماه که برگشتم، دیدم انجام آن کار قسمت من نبوده. این بود که در این سال‌ها برای انجام کار با سینما رغبتی نداشتم.

سال‌ها گذشت و به‌خصوص با اجرای «دانه‌های باران» به شیشه‌ها ترانه دارد» سیاوش کسرای و پیشنهاد آقای جعفری‌جوزانی، کارکردن، به این نتیجه رسیدم که چون صدای من می‌تواند از نظر تصویری تأثیری داشته باشد، این راه را باز کنم و درپیشه‌ای علاوه بر موسیقی، در سینما و تئاتر بگشایم. به همیشه به سینما و تئاتر بسیار علاقه‌مند بودم و همیشه به تئاترهای استاد سمندریان عشق می‌ورزیدم و علاقه داشتم.

با بهرام بیضایی رفت‌وآمد داشتم و از اندوخته‌ها و دانش این استاد بزرگ همیشه استفاده کردم. طبیعتاً با اکثر کارگردان‌ها از نزدیک محشور بودم ولی این چندسال برای کارکردن راغب نبودم، اما از این به بعد این حضور ادامه خواهد داشت.

● پس آوازخواندن شما برای سایر فیلم‌ها ادامه خواهد داشت؟
بله، حتماً ادامه خواهد داشت.

● گویا این اولین باری است که در ایران مسابقه‌ای به این صورت در ارتباط با موسیقی و سینما برگزار می‌شود. درست است؟

فکر می‌کنم همین‌طور باشد. تا آنجا که من یادم هست، بله اولین‌بار است.

● چطور شد در «ایران‌برگر» روی شعر سیاوش کسرای کار کردید؟

بنده از دوران نوجوانی افتخار آشنایی با این عزیز نازنین را داشتم‌ام. جلسات ماهانه‌ای در منزل «ه.الف. سایه» تشکیل می‌شد که من هم در آن جلسات بودم و آنجا با بسیاری از بزرگان ادب کشورم از جمله سیاوش کسرای آشنا شدم و این دیدارها در حقیقت یکی از رهنمودهای بزرگ زندگی هنری‌ام شد. آهنگ‌ساز این ترانه ارشک رفیعی است که مستقیماً زیرنظر و با مشورت خود من ساخته و پرداخته شده. در شعر «دانه‌های باران» به شیشه‌ها، ترانه دارد، زنده‌یاد سیاوش کسرای زیباترین احساسات عاشقانه را در قالبی اجتماعی به نظم کشیده است. یادش گرامی.

● به‌نظر شما این‌گونه برنامه‌ها می‌تواند تأثیر مثبتی بر سینما و موسیقی و به‌طورکلی هنر کشور داشته باشد؟

مسلماً می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. منتها به شرطی که اولاً ما هنرمندان بتوانیم به یک درک جمعی اعتقاد پیدا کنیم و از تک‌گرایی، من‌های خودخوانده و استادسالارانه دست برداریم و با افکار مردم بازی نکنیم. مثل هنرمندان کشورهای پیشرفته سطح بیش هنری‌مان را بالاتر ببریم و انتقادپذیر شویم. دوم آنکه برگزارکنندگان این گونه برنامه‌های هنری از ورود به دسته‌بندی و مافیابازی اجتناب کنند. متأسفانه در کشور ما هر تشکل هنری‌ای که به وجود آمده، بالاخره سر از مافیابازی و گروه‌بندی درآورده و همین عملکردها بزرگ‌ترین آسیب و لطمه را به هنر مملکت ما وارد کرده است.

● عملکرد پانزدهمین جشن حافظ را چطور دیدید؟
آنچه مشاهده کردم، در جشن دنیای تصویر، به نظرم مثبت آمد. امیدوارم به همین منوال و با